

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۲ دسمبر ۲۰۲۲

جنبش انقلابی مردم ایران، جمهوری اسلامی و لابی‌هایش در خارج کشور را نیز رسواتر کرده است!

به دنبال تهدید تحریم اعضا و سازمان‌هایی «دعوت از روزبه پارسی برای شرکت در کنفرانس ملی سالانه «مردم و دفاع» لغو شد.»
پیش‌تر نیز جمعی از ایرانیان آزادی‌خواه، برگزارکنندگان جلسه او در استکهلم را متوجه ماهیت او کرده بودند در نتیجه جلسه‌ای که شروع شده بود مجبور به تعطیلی آن شدند.

افشای روزبه پارسی برادر تریتا پارسی لابی رژیم در اروپا



در ماه ژانویه ۲۰۲۳، کنفرانس ملی سالانه «مردم و دفاع» در سویدن برگزار می‌شود. قرار بود روزبه پارسی، این عنصر مدافع جمهوری اسلامی و رییس بخش برنامه‌ریزی انستیتوی خارجی نیز یکی از سخنرانان آن باشد. اما اینک هیأت مدیره سازمان «مردم و دفاع» به دنبال تهدید برخی دیگر از شرکت‌کنندگان مبنی بر تحریم کنفرانس در صورت شرکت روزبه پارسی، تصمیم به لغو دعوت از وی گرفته است.
یورا آریوس رییس هیأت مدیره سازمان «مردم و دفاع» در برنامه دیشب ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲ تلویزیون سویدن، حضور داشت در این رابطه گفت:
«سازمان‌های عضو بودند که در نظر داشتند در حضور او در کنفرانس ملی شرکت نکنند این بود که دیدیم این خطر وجود دارد که افکار عمومی زیادی علیه وی درگیر شود و تمرکز از روی کنفرانس به انحراف کشیده شود.»

روزبه پارسی نیز شب گذشته در تلویزیون سویدن حاضر شد. او از نهادینه شدن رویه صدهای مخالف ابراز تأسف کرد. او توجیه کرد که میان او با افرادی که از وی انتقاد می‌کنند بر روی مسائلی از قبیل این که حکومت ایران ناقض حقوق بشر است اختلافی وجود ندارد، اما وی نظراتش را در رابطه با ایران را به‌عنوان کارشناس مطرح می‌کند...»

در بخشی از گزارش تصویری در همین رابطه از تلویزیون «اس و ت»، اعتراض ایرانیان پخش شد از جمله اعتراض به روزبه پارسی.

پیش‌تر نیز جمعی از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در استکهلم، شامگاه سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱، در اعتراض به‌حضور روزبه پارسی، برادر تریتا پارسی رییس پیشین نایاک در یک کنفرانس درباره خیزش ایران، در برابر ساختمان وزارت امور خارجه سویدن تجمع کردند.

آن‌ها پس از این تجمع که در میدان گوستاو آدولف استکهلم برگزار شده بود به سمت محل برگزاری کنفرانس در «موزه مدیترانه» رفته و برخی از آن‌ها، وارد مکان سخنرانی روزبه پارسی شدند.

معترضان با سر دادن شعار مانع برگزاری سخنرانی این فرد درباره خیزش ایران شدند و گفتند که نهاد امریکایی نایاک صدای مردم ایران نیست و لابی جمهوری اسلامی است. رسانه‌های سویدن خبر برگزاری این تجمع اعتراضی را پوشش دادند.

روزبه پارسی در تلویزیون سویدن، برای ترساندن مردم معترض و انقلابی، ادعا کرده است که در صورت فروپاشی جمهوری اسلامی، ایران مانند سوریه خواهد شد.

او پس از اعتراض و بر هم خوردن برنامه سخنرانی‌اش در گفت‌وگو با روزنامه سویدنی اکسپرسن، ادعا کرد که دلیل این اعتراض را نمی‌فهمد، چون نه خودش و نه برادرش دیگر عضو نایاک نیستند.

او همچنین ادعا کرد گفت که نایاک برای جمهوری اسلامی «لابی‌گری» نمی‌کند.

در حالی که بسیاری از ایرانیان خارج از کشور نایاک را به لابی‌گری برای جمهوری اسلامی متهم می‌کنند و این سازمان به همین دلیل نزد آنان بدنام است.

نایاک نخستین هدف خود را «ساختن قدرت سیاسی میان ایران و امریکا» می‌داند. مخالفان فعالیت نایاک می‌گویند این به معنی حمایت از جمهوری اسلامی ایران است. در ادامه بحث‌مان مجدداً به سازمان نایاک و اهداف آن برمی‌گردیم.

جنبش انقلابی مردم ایران که در پی جان‌باختن مهسا امینی، راه افتاد و به سرعت افکار عمومی جهان را به خود جلب کرد به حدی قدرتمند شد که حتی با وجود عدم خواست دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به درون آن‌ها نیز نفوذ کرد به‌طوری که هر فردی و جریانی بخواهد کوچک‌ترین حمایتی از جمهوری اسلامی بکند و یا در گذشته کرده باشد منزوی می‌شود و کنار گذاشته می‌شود. نمونه آن روزبه پارسی و سازمان‌شان نایاک این لابی جمهوری اسلامی است.

نام «سازمان نایاک» نیز بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده است؛ سازمانی در امریکا که به لابی‌گری برای جمهوری اسلامی ایران متهم شده است.

در جدیدترین خبر، رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور، رضا اصلان، عضو هیات مشاورین نایاک، اعلام کرده به دلیل حمله‌ها و انتقادات اخیر علیه این سازمان تصمیم به استعفا گرفته است.

سازمان نایاک چیست؟

«شورای ملی ایرانیان امریکا» که به اختصار نایاک نامیده می‌شود / (National Iranian American Council / NIAC)، ظاهراً یک سازمان غیردولتی غیرانتفاعی مستقر در شهر واشینگتن دی سی، امریکا است

نایاک در سال ۲۰۰۲ توسط تریتا پارسی، بابک طالبی و فرزین ایلچ برای «ترویج مشارکت مدنی» ایرانیان امریکا پایه‌گذاری شد.

در برخی رسانه‌ها از جمله اعضاء و افراد وابسته به شورای ملی ایرانیان می‌توان به؛ -تریتا پارسی رییس شورای ملی ایرانیان -فرانسیس فوکویاما مشاور و استاد راهنمای تریتا پارسی-رضا مرعشی رییس امور پژوهش‌های نایاک -مازیار بهاری کارشناس کنفرانس‌های نایاک -جمال عبدی مدیر سیاست‌های نایاک -نازیلا فتحی کارشناس کنفرانس‌های نایاک - اردشیر ارجمند از مشاوران تریتا پارسی -لیلا زند عضو دائم نایاک - هومن مجد کارشناس کنفرانس‌های نایاک و هوشنگ امیر احمدی مشاور ارشد تریتا پارسی اشاره نمود.

این شورا دارای سه لابی قدرتمند است که عبارتند از:

- ۱- لابی‌هایی که مستقیماً با دولت جمهوری اسلامی در ارتباط هستند و از سوی آن مدیریت می‌شوند.
 - ۲- لابی‌های مرتبط با تجار ایرانی ثروتمند ساکن در ایران یا امریکا که به سبب ضرر از تحریم‌ها مشغول لابی به نفع کاهش فشار بر ایران هستند.
 - ۳- لابی شرکت‌های بزرگ امریکایی، که به سبب تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بازار پر سود داخلی ایران را از دست داده‌اند و در صدد هستند این مشکل را رفع کنند. از مهمترین لابی‌های این حوزه به شرکت‌های بزرگ نفتی می‌توان اشاره کرد.
- بنابراین در میان گروه‌های مدعی نمایندگی جامعه ایرانی‌تباران که دست به لابی‌گری زده‌اند، این سه گروه بیش‌تر از دیگران شناخته شده هستند.

مدیریت این شورا بیش‌تر بر عهده تریتا پارسی بود و اکنون جمال عبدی عهده‌دار این مسئولیت است.

تریتا پارسی، از بنیان‌گذاران نایاک نیز منکر لابی‌گری برای جمهوری اسلامی ایران بوده است و تنها هدف نایاک را دفاع به نیابت از ایرانیان امریکا خوانده که خواستار کاهش تنش بین ایران و امریکا هستند.



تریتا پارسی و جمال عبدی

تریتا پارسی، تحلیل‌گر سیاسی ایرانی-سویدنی، متولد سال ۱۳۵۳ در اهواز است که در کودکی به همراه خانواده خود به سویدن مهاجرت کرد. او در بزرگسالی به امریکا رفت. پارسی فعالیت خود را به عنوان یکی از مدیران شورای امریکا-ایران در سال ۲۰۰۱ آغاز کرد. مدتی نیز مشاور باب نی، نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان ایالات متحده بود.

روزبه پارسی، برادر تریتا پارسی نیز همان نقش برادرش را در سویدن و اروپا به عهده دارد.

جمال عبدی که دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه واشنگتن است، در کنگره امریکا به عنوان مشاور سیاسی در زمینه سیاست خارجی، امنیت ملی و مسائل مرتبط با مهاجرین فعالیت داشت. او در سال ۲۰۰۹ به سازمان نایاک پیوست و از سال ۲۰۱۸ مدیریت آن را بر عهده دارد.

فعالیت‌های سازمان نایاک

نایاک در گزارشی مدعی شد تحریم‌های امریکا بر ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲، بین ۱۳۵ تا ۱۷۵ میلیارد دلار درآمد از دست رفته در سال به اقتصاد امریکا خسارت وارد کرده است.

این سازمان به نیابت از دانشجویان ایرانی، امریکا نیز فعالیت‌هایی داشته است. نایاک کارزاری برای سیاست ویزای یکبار ورود امریکا برای دانشجویان ایرانی به راه انداخت، تا دانشجویان ایرانی بتوانند ویزای کثیرالورود دریافت کنند. دولت اوپاما در سال ۲۰۱۱، این سیاست را اجرا کرد.

در سال ۲۰۰۷ «حسن داعی الاسلام»، فعال سیاسی ایرانی-امریکایی، اعلام کرد سازمان نایاک به لابی‌گری به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران در امریکا مشغول است. در پاسخ، نایاک در سال ۲۰۰۸ از او به دلیل افتراء شکایت کرد.

در سال ۲۰۱۷، هوشنگ امیراحمدی، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه راتگرز امریکا در مصاحبه‌ای با حسین دهباشی گفت که جواد ظریف در تاسیس نایاک نقش داشته است.

در سال ۲۰۱۹، طوفانی توییتری علیه سازمان نایاک توسط برخی کاربران به راه افتاد. ایرانیان امریکا با بیش از ۲۵۰ هزار توییت اعلام کردند که گروه نایاک در امریکا برای نظام جمهوری اسلامی لابی می‌کند و نماینده ایرانیان مقیم امریکا نیست.



روزبه پارسی(سمت راست) و محمد شعبانی(سمت چپ)

محمد شعبانی، کسی که رابطه کاری خوبی با یکی از مراکز تحقیقاتی در ایران دارد و مدتی را به عنوان سردبیر مجله مطالعاتی این مرکز مشغول به کار بوده است.

شعبانی که در سوئیس متولد شده حدود ۱۱ سال پیش برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت و در دانشگاه «سواز» مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد و پس از آن به تهران بازگشت.

او به دلیل تسلط به زبان انگلیسی در یکی از رسانه‌ها استخدام شد و پس از مدتی نیز به صورت همزمان در یکی از مراکز تحقیقاتی کشور مشغول به کار شد و سمت سردبیری نشریه انگلیسی زبان این مرکز را بر عهده گرفت.

اما شروع سرمایه‌گذاری لابی‌های دلال رابطه میان ایران و آمریکا با شعبانی از ارتباط پنهان وی را نایاک شکل گرفت.

نایاک یا شورای ملی امریکاییان ایرانی تبار که ریاست آن را تریتا پارسی بر عهده دارد چند سالی است با عنوان حمایت از حقوق ملت ایران در آمریکا فعالیت می‌کند؛ سازمانی که در کنار فعالیت‌های ظاهری برای دفاع از ایران در برابر تحریم‌ها، همواره دارای اقدامات مشکوکی از قبیل تلاش برای نفوذ به مراکز قدرت در جمهوری اسلامی را در دستور کار داشته است.

این نهاد شعبانی را که دارای ارتباط خوبی با حسین موسویان عضو اسبق تیم مذاکره کننده هسته‌ای دارد از طریق وی شناسایی کرده و ارتباط خود را با شعبانی گسترده‌تر می‌کند.

موسویان به دلیل نفوذ خود در آمریکا مقالات نوشته شده از سوی شعبانی را در مجلات پرتیراژ و معروف امریکایی به چاپ می‌رساند و همین مسئله توجه جدی نایاک را به شعبانی جلب می‌کند.

شعبانی از سال ۲۰۱۰ همکاری جدی خود را با نایاک با انتشار مقالاتی در راستای اهداف این نهاد در سایت‌های مختلف امریکایی آغاز می‌کند.

روزبه پارسی در ۲۸ دی ماه سال ۱۳۹۱ به تهران می‌آید و در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه نشست علمی برگزار می‌کند؛ همراه روزبه پارسی در این نشست کسی نیست جز محمد علی شعبانی.

اما نکته قابل توجه دیگری درباره سفر روزبه پارسی به تهران و سخنرانی وی در مرکز مطالعات خاورمیانه وجود دارد. با بررسی نام هیات امنای این مرکز به نام‌های جالبی بر می‌خوریم. محمود سریع القلم، سیدحسین موسوی و محمود هاشمی بهرمانی (برادر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام) از جمله اعضای هیات امنای این مرکز هستند؛ چهره‌هایی که در میان آن‌ها می‌توان به محمود سریع القلم به‌عنوان یکی از جدی‌ترین طرفداران برقراری رابطه میان ایران و آمریکا اشاره کرد.

...

نکته قابل توجه این است که اسپانسر مالی این گروه خانواده نمازی از نزدیکان به لابی نایاک در ایران است؛ اسپانسری که پیش از این نیز نام وی به‌عنوان یکی از سرپل‌های پروژه «NED» در ایران مطرح بود.

بنابر این گزارش، با کنار هم قرار دادن پازل‌های این جریان در کنار یکدیگر می‌توان به شبکه‌ای نه چندان پیچیده از چهره‌ها و محافل به ظاهر مطالعاتی رسید که در راستای تحقق اهداف دلالان رابطه میان ایران و آمریکا حرکت کنند.

بدون شک همکاران و سرپل‌های نفوذی لابی‌ها امریکایی در ایران نمی‌توانند منکر اهداف پنهان موسساتی نظیر نایاک و برخی چهره‌های مسئله دار شوند؛ ولی نکته قابل تأمل عدم برخورد جدی برخی دستگاه‌ها با این چهره‌های نفوذی است که احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور به فعالیت‌های خود شکل حدی‌تری خواهند داد. (منبع: خبرگزاری فارس، وابسته به نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران، به نقل از روزنامه مشرق، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۴)

گفته می‌شود که روزبه پارسی و محمد علی شعبانی دو نمونه از ده‌ها کارشناس و پژوهش‌گر مسائل ایران در اروپا هستند که با حمایت محافل غربی طرفدار همکاری با نهادهای حکومت ایران به‌ویژه مجمع تشخیص مصلحت و وزارت خارجه، در مشاغل و پست‌های مهم در مهم‌ترین نهادهای فکری و رسانه‌ای اروپا جای گرفته‌اند و در جهت حفظ جمهوری اسلامی و لابی می‌کنند.



روزبه پارسی در ایران

روزبه پارسی در سال ۲۰۰۹ از سویدن به پاریس آمد و با حمایت محافل طرفدار دوستی با جمهوری اسلامی ایران، به استخدام انستیتوی مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا در آمد و مدارج ترقی را یک‌شبه پیمود و به‌عنوان کارشناس مسائل ایران در رسانه‌های مهم و کمیسیون‌های اتحادیه اروپا مورد مشورت قرار گرفت.

ده‌ها مصاحبه و گزارش از او در رسانه‌های مهم و نهادهای تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا چاپ می‌شوند یک نمونه از آن، گزارشی است که او با کمک فریده فرهی عضو هیات مشاوران نایاک تهیه کرد تا مورد استفاده اتحادیه اروپا قرار گیرد.

به موازات فعالیت در اروپا، روزبه پارسی با حمایت نایاک وارد سیستم سیاسی امریکا هم شد. موسسه ویلسون که بخش خاورمیانه آن تحت مدیریت هاله اسفندیاری است و به خانه مباحثات تبدیل شده است از وی برای سخنرانی دعوت کرد و راه رسانه‌های مهم بروی وی باز شد.

ده‌ها مقاله از او در رسانه‌های مهم امریکا، منجمله فارین پالیسی چاپ شد. روزبه برخی از این مقالات را به‌طور مشترک با تربتا پارسی نوشته است تا به‌خاطر روابط تنگاتنگ برادرش با محافل مباحثات انتشار آن‌ها آسان‌تر صورت پذیرد.

از طرف دیگر، روزبه پارسی در جلسات نایاک در امریکا نیز شرکت کرده و به‌نفع لابی جمهوری اسلامی سخنرانی و فعالیت می‌کند. روزبه پارسی به کمک شبکه نایاک در امریکا و محافل اروپایی طرفدار نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت یک کارشناس ارشد در آمده و در همه مصاحبه‌ها و فعالیت‌های خود از دوستی و سازش با جمهوری اسلامی دفاع می‌کند.

همین سناریو یعنی رشد و ترقی به کمک محافل و لابی طرفدار حکومت را می‌توان در مورد محمدعلی شعبانی مشاهده کرد. او سردبیر مجله انگلیسی زبان مطالعات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

محمد علی شعبانی به‌طور مرتب در دو وب‌سایت خبری امریکا یعنی ال مونیتر و لوب لوگ مقاله می‌نوشت و از جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کرد. سایت لوب لاگ خودش را ترقی‌خواه و ضد جنگ می‌خواند ولی تمامی مقالات مربوط به ایران در این سایت توسط شبکه نایاک و امثال شعبانی و حسین موسویان نوشته شده‌اند و در تمامی آن‌ها به‌طور آشکار از جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌شوند.

در روز جمعه ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹، روزنامه واشنگتن تایمز گزارشی به قلم «ایلا لی» را به چاپ رساند که در آن به عملکرد شورای ملی ایرانی آمریکایی تحت ریاست تریتا پارسی به تفصیل اشاره شده است. پس از انتشار این گزارش، در محافل گوناگون واشنگتن درباره این گزارش سخن‌های بسیار رفته است. چندین سایت از جمله تارنمای نایاک به موضع‌گیری و تحلیل این گزارش اقدام کرده‌اند. برای روشن شدن هر چه بیش‌تر موضوع، از سوی کمیته آمریکاییان و ایرانیان، علی‌داعی، فعال سیاسی مقیم آمریکا و کسی که نایاک از وی شکایت کرده بود در گفت‌وگویی، اظهار داشته است:

«من اولین گزارش خودم در مورد نایاک را در اوائل سال ۲۰۰۷ منتشر کردم. به مدت یک سال، تریتا پارسی، نایاک و همچنین روزنامه‌های وابسته به حکومت ایران یک کارزار دروغ و شانتاژ علیه من براه انداختند. هدفشان این بود که من از کار خودم دست بکشم. اما وقتی نتیجه‌ای نداد، در ماه می ۲۰۰۸ از من به دادگاه فدرال واشنگتن شکایت کردند. در ادعای آنان گفته شده بود که اتهامات من به تریتا پارسی و نایاک باعث شده که آن‌ها در میان آمریکاییان و جامعه ایرانی بی‌اعتبار شده، درآمدشان کم شده و خود تریتا پارسی نیز دچار اضطراب روحی گشته است. هدفشان این بود که با شکایت از من و با تحمیل صدها هزار دلار هزینه دفاع قانونی، مرا به زانو درآورند و بدین ترتیب درس عبرتی به همه رسانه‌ها و ایرانیانی بدهند که نایاک را لابی رژیم ایران معرفی می‌کنند و در مقابلش می‌ایستند.

پس از مدتی کوتاه، پس‌انداز شخصی من به انتها رسید و دست کمک به سوی هموطنان و موسساتی که به کمک روزنامه‌نگاران می‌آیند دراز کردم. یکی از مراکز تحقیقی واشنگتن به نام میدل ایست فوروم به میدان آمد و با ارسال یک نامه، از وکلای که برای دفاع رایگان از من آماده‌اند، تقاضای کمک نمود. یک روز بعد، یکی از مهم‌ترین دفاتر حقوقی به یاری من برخاست و طی یک‌سال گذشته، یک تیم از وکلای این شرکت به دفاع تمام عیار از من پرداخته‌اند. هنوز به خود دادگاه نرسیده‌ایم ولی در طول ده ماه گذشته، طبق روال حقوقی دادگاه‌های آمریکا، به مرحله «کشف حقیقت» وارد گشته‌ایم. به این معناست که دو طرف دعوا می‌توانند اسناد و مدارک مربوط به نحوه کار و زندگی یکدیگر را به‌دست آورند. از این رو، بسیاری از مکاتبات ایمیل من، مدارک زندگی شخصی و کاری من در اختیار نایاک و تریتا پارسی قرار گرفت.

به‌همین ترتیب، نایاک نیز می‌بایست اسناد درخواستی ما را در اختیارمان قرار بدهد. تاکنون، تنها بخش کوچکی از این اسناد به ما تحویل داده شده که برای دریافت بقیه آن تلاش می‌کنیم. اما همین بخش کوچکی که به‌دست آورده‌ایم نیز حیرت‌آور و تکان‌دهنده است.

... خبرنگار واشنگتن تایمز با من تماس گرفت و خواست آن‌ها را مطالعه کند. این اسناد در اختیار وی قرار گرفتند. وی و مسئولان روزنامه اظهار علاقه کردند تا در این مورد گزارشی تهیه کنند. نزدیک به پنج هفته، خبرنگار مزبور شروع به تحقیق در مورد نایاک و ارتباطات تریتا پارسی کرد. اسناد دادگاه را به کارشناسان بیطرف نشان داد و سرانجام گزارش خودش را منتشر کرد.

خبرنگار واشنگتن تایمز خودش یک تحقیقات جدی را انجام داد. با متخصصان متعددی صحبت کرد. با ایرانیان تماس گرفت. مثلاً با معاون سابق افسی‌آی صحبت کرده و ایمیل‌های رد و بدل شده بین محمد جواد ظریف (سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل) با تریتا پارسی را مطالعه کرده و نتیجه گرفته که تریتا همچون نماینده جمهوری اسلامی مشغول لابی‌گری بوده است.

... در مرحله بعد، دوستان تربیتا در واشنگتن وارد صحنه شدند. کسانی که تحت نام کارشناس مسائل ایران، به سنای آمریکا و رادیو تلویزیون‌ها می‌روند و برای برداشتن فشار آمریکا از روی حکومت ایران تلاش می‌کنند. این‌ها به سراغ خبرنگار رفتند و از او خواستند تا نوشته خودش را رقیق کند. سپس شریک و همکار تربیتا پارسی در ایران، یعنی سیامک نمازی وارد عمل شد و سعی کرد تا خبرنگار را از چاپ مقاله منصرف کند.

وقتی همه این‌ها نتیجه‌ای نداد، تربیتا و وکیل‌اش دوباره به دادگاه رفتند و همان تقاضای قبلی خودشان که دو نوبت پاسخ منفی گرفته بود را بار دیگر مطرح کردند. تقاضای این‌که اسناد محرمانه شود و کسی قادر به چاپ آن نباشد. یک روز قبل از چاپ مقاله نیز، یک نامه تهدیدآمیز به روزنامه واشنگتن تایمز فرستادند و از آنان خواستند تا از چاپ مقاله خودداری کنند. اما این اقدامات هیچ‌کدام نتیجه نداد و این گزارش چاپ شد.

... گزارش روزنامه روی سه پایه قرار گرفته است. اولاً این‌که نایاک به‌طور غیرقانونی لابی می‌کند و برای انجام این کار اجازه ندارد. دوم این‌که برای انجام این لابی، یک هماهنگی بین تربیتا پارسی با سیامک نمازی در تهران وجود داشته است. سیامک نمازی مدیر عامل و یکی از شریکان کمپانی آتیه بهار در تهران است. آتیه، با دولت جمهوری اسلامی شریک است و با هم کار می‌کنند. معنای آن نیز روشن است: تربیتا لابی خودش در کنگره را با یک نفر که در ایران شریک دولت است، هماهنگ می‌کرده است. فعالیت اصلی شرکت آتیه دلالتی برای کمپانی‌های بزرگ به‌خصوص غول‌های نفتی است که با جمهوری اسلامی بده و بستان دارند.

تربیتا با جواد ظریف که سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل بود نیز تماس و همکاری داشته است. مثلاً نمایندگان کنگره را انتخاب می‌کرده و به ملاقات ظریف می‌برده است و موارد دیگر که در فرصت دیگری مورد بحث قرار می‌دهیم.

مسئله سوم این است که احتمالاً نایاک قوانین متعدد آمریکا را زیر پا گذاشته است و تقلب مالیاتی نیز کرده است. همیاران که در ظاهر یک سازمان غیر دولتی است توسط محمد باقر نمازی (پدر سیامک نمازی) و یک فرد دیگر به‌نام حسین ملک افضلی براه افتاد. ملک افضلی به‌مدت ۱۸ سال معاون وزیر بهداشت بوده است که در زمان احمدی‌نژاد نیز معاون وزیر بود.

کار اصلی همیاران این بود که نزد سازمان ملل و موسسات بین‌المللی، خودش را بعنوان نماینده سازمان‌های غیردولتی ایران معرفی کند و بگوید که من نماینده جامعه مدنی ایران هستم. من در گزارشی که به زبان انگلیسی نوشتم اسناد مربوط به همیاران و کار مشترک‌اش با وزارت خارجه جمهوری اسلامی برای نفوذ در میان ایرانیان خارج از کشور را توضیح دادم.

نایاک با همیاران همکاری مشترک داشت و با هم پروژه مشترک داشتند. رابطه باقر نمازی با تربیتا پارسی نزدیک به ده سال ادامه داشته است که یک بخش مهم آن راه‌اندازی گروه‌های به‌ظاهر صلح‌طلب ایرانی برای لابی کردن به نفع جمهوری اسلامی بوده است که من در گزارشات متعدد به آن اشاره کرده‌ام.

جالب این‌جاست که تربیتا پارسی در حالی‌که در کنگره آمریکا مشغول لابی بود و می‌خواست که آمریکا به گروه‌های حقوق بشری یا گروه‌هایی که برای دموکراسی در ایران مبارزه می‌کنند، کمک مالی نکند و می‌گفت که کمک مالی دولت آمریکا باید کاملاً قطع شود، خودش صدها هزار دلار از پول‌های کنگره را می‌گرفت و استفاده می‌کرد. یعنی این پول‌ها برای نایاک و دوستانش حلال بود ولی برای گروه‌هایی که با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند حرام.

جالب این‌جاست که نایاک این پول‌ها را می‌گرفت تا با مثلاً سازمان‌های غیردولتی در ایران کار کند اما شریک اصلی‌اش که به‌عنوان غیردولتی معرفی می‌کرد همین سازمان همیاران بود. سازمانی که رییس هیأت مدیره‌اش یک

معاون وزیر دولت ایران بود. یعنی همه چیز بود بجز سازمان غیردولتی. می‌بینیم که دروغ‌گویی تا چه میزان بوده است.

...



آقای «حسن آزادی» در مطلبی تحلیل بلندی، می‌نویسد: در سپتامبر ۲۰۱۲ قاضی فدرال امریکا اتهام افتراء را وارد دانست و اظهار داشت «پارسی و نایاک نتوانسته‌اند شواهد کافی در خصوص سوءنیت طرف مقابل را نشان دهند، این که داعی با آگاهی و از روی عمد اتهامات دروغ مطرح کرده، یا در مورد درستی آن‌ها بی‌توجهی کرده.» بنابراین در سال ۲۰۱۳، قاضی رابرت ویلکینز (Robert Wilkins) نایاک را به علت عدم همکاری کافی با دادگاه و تاخیر در ارایه اسناد داخلی‌اش به دادگاه و در نتیجه طولانی کردن فرآیند دادرسی محکوم به پرداخت بیش از ۱۸۳ هزار دلار به علاوه سود آن کرد تا بخشی از هزینه‌های دادگاه حسن داعی جبران شود.

علاوه بر همه این موارد نیز در فوریه ۲۰۱۵، تصمیمی از سوی دادگاه استیناف حوزه ناحیه واشینگتن دی سی ایالات متحده حکم کرد که: «نایاک به دستورهای متعدد دادگاه بی‌توجهی کرده و به‌طور نامناسب ارسال اسناد مورد درخواست را در جریان بخش اکتشاف و بررسی دادرسی به تعویق انداخته و حتی برخی اسناد را نگه داشته است. در جریان محاکمه، نایاک اظهارات ضد و نقیضی در خصوص سیستم کامپیوتری و ضبط اسناد خود داشته و آنگاه از این ادعاها که بعدتر رد شده، به منظور طولانی کردن پروسه دادرسی به مدت چند سال استفاده کرده است.» همچنین قاضی ویلکینز ابراز داشت که نایاک وجود برخی کامپیوترها و سرورها را به دادگاه اطلاع نداده از جمله آن‌هایی که توسط معاون حقوقی نایاک استفاده می‌شده است. علاوه بر آن نایاک ۱۶۸ ایمیل را که در آن‌ها نسبت به ماهیت این سازمان و فعالیت‌هایش ابراز نگرانی شده بود را از دادگاه پنهان کرده بود. جالب آن‌که این ایمیل‌ها عمدتاً از طرف ایرانی-امریکایی‌ها به نایاک ارسال شده بود. و اما از همه مهم‌تر، قاضی جان بیتز (John Bates) تقاضای حقوقی نایاک بر ضد حسن داعی را رد کرد و بر این نکته تاکید کرد که کارهای رییس نایاک «با این عقیده که او در اصل مدافع و وکیل جمهوری اسلامی بوده است ناسازگار نبود.» قاضی به این نتیجه رسید که «این منطقی است که بتوان ادعا کرد نایاک

به نمایندگی از جمهوری اسلامی در امریکا لابی‌گری می‌کند.» (نتایج دادگاه مورد بحث برگرفته از مقاله آقای حسین آزادی، دانشجوی مطالعات استراتژیک، خبرنامه گویا، ۲۴ جون ۲۰۲۰)

وبسایت خبری «دیلی بیست» نیز با انتشار مقاله‌ای «حلقه رابط پنهان بین جمهوری اسلامی و گروه شورای ملی ایرانیان امریکا (نایاک) که به لابی‌گری برای جمهوری اسلامی متهم است» را افشا کرده است.

در این مقامله که زیر عنوان «خانواده‌ای در سایه، پشت پرده لابی ایران در امریکا» به رشته تحریر در آمده‌است، نویسنده کوشیده است تا از اطلاعات و مدارک در اختیار خود برای اثبات نقش خانواده «نمازی» در احیای قدرت لابی‌گری برای مقامات جمهوری اسلامی در پایتخت امریکا و کوشش برای آنچه نویسنده مقاله فشار بر دولت امریکا برای برقراری ارتباط حسنه با تهران می‌خواند پرده بردارد.

نویسنده با توصیف خانواده نمازی به افرادی که تمایلی به حضور در صحنه رسانه‌ها ندارند، آن‌ها را نمادی از قدرت سیاسی در تهران توصیف کرده و می‌گوید: «کسانی که به نمازی‌ها نزدیک می‌گویند که آن‌ها کارگزاران مالی زیرک و کارآمدی هستند که بیش‌تر ترجیح می‌دهند به‌جای مردانی ایدئولوژیک، خود را بازرگانانی مشتاق به تجارت به دنیای غرب و بهره‌مند از آزادی‌های رایج آن جلوه دهند.»

اشاره نویسنده این مقاله به خانواده نمازی مشخصاً انگشت اتهام را به سوی «سیامک نمازی» پسر ارشد محمدباقر نمازی به عنوان مغز متفکر و فعال‌ترین عضو این خانواده نشانه رفته است. کسی که خانواده نمازی را در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در ایران، میزبان بزرگترین شرکت‌های نفتی جهان کرد. شرکت‌های وابسته به این خانواده از جمله آتیه بهار در بزرگترین قراردادهای نفتی سه دهه گذشته به انحای مختلف نقش ایفا کرده و در پرونده کرسنت از شرکای لاینفک مهدی هاشمی، فرزند اکبر هاشمی بوده‌اند که به دلیل اخذ رشوه در پرونده استات اوایل هم اکنون در زندان اوین به سر می‌برد.

موسسه «آتیه بهار» یک مجموعه دلالتی نفت در سطح بین‌المللی است که در بررسی مدیران سابق و فعلی آن به اسامی قابل توجه زیادی بر می‌خوریم. علیرضا امیدوار، قائم‌مقام شل در ایران سال‌ها با باقر نمازی، بزرگ‌خاندان نمازی‌ها در مجموعه آتیه‌گروپ و تشکیلات سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی (NGO) مشغول به کار بوده‌است. علی قزلباش که از مدیران برجسته شرکت نفت و گاز هیدرو استات‌اوایل نروژ به شمار می‌رفت، پیش از این در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ مدیر آتیه بهار بوده است. محمد منظر پور سردبیر فعلی صدای امریکا نیز از کارگزاران این مجموعه بوده است و حتی تربیتا پارسی، مدیر تشکیلات دلالتی روابط ایران و امریکا که توسط شورای روابط خارجی امریکا با پول مجموعه‌ای از شرکت‌های نفتی و غیرنفتی ناراضی از تحریم فعالیت می‌کند، پیش از این در آتیه بهار سابقه فعالیت داشته است. در واقع آقای پارسی، نایاک را نیز با تلاش برادرانه سیامک نمازی و همفکران او راه‌اندازی کرده است.



تربیتا پارسی پشت سر عباس عراقچی معاون وزیر خارجه جمهور اسلامی ایران

بخش‌هایی از مقاله دلیلی بیست به روند فعالیت خانواده نمازی در سیاست پنهان و اقتصاد نفتی جمهوری اسلامی پرداخته و از روابط این خانواده با نزدیکان اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و گروهی از اطرافیان محمود احمدی‌نژاد در برهه‌های زمانی مختلف پرده برداشته است.

نویسنده مقاله دلیلی بیست و با افشای روابط خانواده نمازی با مقامات تهران از یکسو و تقارن این مناسبات با عملکرد نایاک و نیز توضیح جایگاه و اقدامات این گروه که لابی غیررسمی جمهوری اسلامی در واشنگتن شناخته می‌شود، از سوی دیگر کوشیده است تا نشان دهد دوستی و همکاری تربیتا پارسی و سیامک نمازی چیزی بیشتر از دوستی به سبک خانوادگی است و اهداف خاصی را دنبال کرده است. به همین روی چندین پاراگراف از این مقاله با ارائه اسناد و اطلاعات دست اول، می‌کوشد تا ابعاد این روابط را بهتر از پیش افشا سازد.

از این بین اشاره به اسامی برخی افراد شناخته شده، مانند هادی قائمی (عضو سابق هیات مدیره نایاک و سخن‌گوی فعلی کمپین حقوق بشر برای ایران)، سحر نوروززاده (عضو سابق هیات مدیره نایاک و عضو مشاور شورای امنیت ملی کاخ سفید)، بیژن خواجه‌پور (کارگزار ارشد اقتصادی نزدیک به اصلاح‌طلبان و داماد خانواده نمازی)، محمد منظرپور (سر دبیر فعلی صدای امریکا و کارمند پیشین گروه آتیه بهار) و... در این مقاله، متضمن به کارگیری از همه توانایی و نیروی کارکنان و مدیران سابق گروه آتیه بهار، برای به کارگیری در پست‌های حساس است، به گونه‌ای که نایاک و دیگر کربدورهای ارتباطی تهران بتوانند از آن در کنترل رفتار دولت‌مردان امریکا درباره تصمیمات مهم در خصوص جمهوری اسلامی به‌نفع خود استفاده کنند.

این افشاگری وقتی به نقطه حساس خود می‌رسد که هویت پدر خانواده نمازی فاش می‌گردد. محمدباقر نمازی دولت‌مرد پیشین ایران که قبل از انقلاب استاندار خوزستان و معاون عمرانی وزارت کشور ایران بوده است. فردی که واقعه تلخ آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ خورشیدی در زمان استانداری او در خوزستان روی داد. او در حالی تا سال ۱۳۶۲ خورشیدی (۱۹۸۳ میلادی) به عنوان یک مدیر عالی‌رتبه نظام شاهنشاهی در ایران به راحتی به زندگی ادامه داد که بسیاری از مدیران و کارکنان دون‌رتبه رژیم پیش در دادگاه‌های انقلاب به مرگ محکوم شدند. برخی گروه‌های حقوق بشری با ارائه اسنادی معتقدند که آن آتش‌سوزی از سوی رهبران اسلامی و با اطلاع روح‌الله خمینی و برخی نزدیکان وی رخ داده است. این افراد دستگیری، محاکمه و اعدام تنی چند از شهروندان آبادان پس از انقلاب به جرم آتش زدن سینما رکس را نمایشی و پرده‌پوشانه تلقی می‌کنند.

لازم به یادآوری است محمد باقر نمازی در سال ۱۹۸۳ به امریکا مهاجرت کرد و تنها چند سال بعد در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی به ایران بازگشته و زمینه تشکیل گروه اقتصادی آتیه بهار، آتیه گروپ، سازمان غیر دولتی همیاران و .. را به سکانداری یکی از دو پسر خود «سیامک نمازی» طرح ریزی کرد.

مقاله یاد شده که با اسم مستعار «الکس شیرازی» در «دلیلی بیست» منتشر شده است، از نگاه کارشناسان رسانه به قلم فردی بسیار نزدیک به سیستم کاری آتیه بهار، نایاک و خانواده نمازی به رشته تحریر درآمده است. کسی که از مناسبات پشت پرده بین خانواده نمازی و کارکنان آتیه بهار که حالا پست‌های کلیدی برای اعمال فشار به دولتمردان امریکایی را به عهده دارند، آگاهی کافی دارد. دلیلی بیست در توضیحی کوتاه درباره نویسنده مقاله، واهمه از شناسایی و آسیب به نویسنده و یا خانواده او در ایران را از دلایل مخفی نگه داشتن نام وی عنوان کرده است.

همین نویسنده پیش از این در مقاله‌ای دیگر که در «دلیلی بیست» منتشر شده بود، برخی حامیان مالی هیلاری کلینتون را به ارتباط تجاری پنهانی با جمهوری اسلامی و نقض تحریم‌ها برای فروش تجهیزات صنایع هواپیمایی به ایران متهم کرده بود، رابطه‌ای که حالا پس از اعلام توافق هسته‌ای دیگر سری قلمداد نمی‌شود.

وب سایت خبری دلی بیست که یکی از لیبرالترین خروجی‌های خبر در ایالات متحده امریکا شناخته می‌شود، از ششم اکتبر ۲۰۰۸ و با سرمایه «تینا براون» سردبیر پیشین نشریه نیویورکر کار خود را آغاز کرد و هم اکنون در مالکیت یک بنگاه مهم اینترنتی به اسم IAC قرار دارد. کارشناسان اهمیت دلی بیست را به اندازه نیوزویک در دوران اوج خود محاسبه می‌کنند. (منبع فارسی این مطلب: خبرگزاری ایرانشهر)

سایت دیده‌بان ایران، به تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰، نوشت: براساس گزارش‌ها برخی گروه‌های چپ‌گرا در حزب دموکرات لیستی بلند بالا برای انتصاب در پست‌های کلیدی در نهادهای مختلف سیاسی و امنیتی به بایدن ارائه کرده‌اند. بر این اساس چپ‌گراها به بایدن فشار می‌آورند تا تارتینا پارسی رییس پیشین شورای ملی ایرانیان امریکا و معاون موسسه کوئینسی را برای پست نظارت بر امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی کاخ سفید منصوب کند. رسانه‌ها در امریکا از او به عنوان لابی حاکمیت ایران در امریکا یاد می‌کنند. احتمال انتصاب تارتینا پارسی در این پست خیلی قوی به نظر نمی‌رسد، اما مطرح شدن نام او قابل توجه است...

در ایران «موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران» یک موسسه به ظاهر پژوهشی وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است. این موسسه علاوه بر داخل کشور، همچنین با صدها کارشناس و فعال سیاسی در خارج کشور ارتباط دارد که از جمله فعالیت‌های آن‌ها لابی‌گری، جاسوسی، امکان‌سازی برای جمهوری اسلامی، همچنین خنثی کردن فعالیت‌های اپوزیسیون در سطح بین‌المللی است.

این موسسه و موسسات مانند آن مثل «پژوهشکده مطالعات راهبردی» وظیفه رفع نیازهای پژوهشی نهادهای امنیتی نظام و از جمله هدایت ادبیات علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به سمت و سوی مورد نظر و مورد تایید جمهوری اسلامی را دارد. در این راستا موسسه ابرار از سال ۱۳۸۳ به انتشار مجموعه کتاب‌هایی با عنوان «جنگ نرم» پرداخته است.

خامنه‌ای در ملاقات با مسئولان رادیو تلویزیون دولتی ایران به خطرات "جنگ نرم" پرداخت. او روز دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۴، در این دیدار گفت: «جنگ نرم به خلاف جنگ سخت، آشکار و ملموس نیست و حتی در برخی موارد طرف ضربه خود را می‌زند اما جامعه مورد هدف دچار خواب‌آلودگی و عدم احساس حمله است.»

رهبر جمهوری اسلامی اضافه کرد که جنگ نرم انگیزه‌های مقابله را از بین می‌برد و زمینه‌ساز ایجاد اختلاف نیز می‌شود، در حالی که جنگ‌های سخت معمولاً موجب وحدت و انسجام ملی می‌شوند.

خامنه‌ای گفت: «هدف اصلی از جنگ نرم فکر شده و حساب شده، استحاله جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است.»

او این را هم گفت که در چارچوب اهداف جنگ نرم دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در راس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین‌کننده اهداف امریکا، صهیونیسم و شبکه قدرت جهانی باشد. خامنه‌ای یادآور شد که مخاطبان اصلی جنگ نرم مردم به ویژه نخبگان، دانشگاهیان، دانشجویان، جوانان و عناصر فعال هستند.

خامنه‌ای از تلاش «طرف مقابل» برای دستکاری یا تغییر باورهای اعتقادی مردم در خصوص دین، خانواده، مسئله «زن و مرد»، استقلال، مقابله با بیگانه، مردم‌سالاری و مسائل گوناگون فرهنگی یاد کرد و نسبت به تأثیرگذاری روی باورهای اعتقادی دینی، سیاسی و فرهنگی جوانان و نخبگان هشدار داد.

او به ترویج دین حداقلی و «دین سکولار» در برنامه‌های رسانه‌های بیگانه اشاره کرد و خطاب به مسئولان صدا و سیما گفت: «آن‌ها در پیگیری پیچیده اهداف خود کاملاً جدی و دارای برنامه هستند اما ما در این زمینه عقب هستیم.»

این سخنان یک هفته پس از موضع‌گیری رهبر جمهوری اسلامی ایران علیه امریکا و مذاکره با غرب ادا شده‌اند. خامنه‌ای در ملاقات با فرماندهان نیروی دریایی سپاه تاکید کرده بود که مذاکره با دشمن موجب نفوذ فکری، فرهنگی و سیاسی دشمن می‌شود.

«جنگ نرم» و نفوذ فرهنگی از جمله مخاطراتی است که پیوسته در محافل امنیتی، سپاهیان و روحانیان در مورد آن صحبت می‌شود.

کمتر از یک ماه قبل و در ۳۰ شهریور ۹۴، ۱۲ نماینده اصول‌گرای مجلس در تذکری به محمود علوی، وزیر اطلاعات وقت، و علی جنئی، وزیر ارشاد وقت، خواستار مقابله با جریان صدها نفری نفوذی سرویس‌های جاسوسی غرب در روزنامه‌ها و رسانه‌های زنجیره‌ای شده بودند.

محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران، در اسفند ۱۳۹۳ در همایش سراسری روحانیون سپاه از پیش‌بینی‌های لازم این نهاد برای مقابله با «تهدیدهای نرم» و «شبیخون فرهنگی» یاد کرده و گفته بود که هدف اصلی این تهدیدها، نفوذ در دل مردم است.

جعفری در آن سخنرانی از جمله گفته بود: «مطالبات مقام معظم رهبری از سپاه در این چارچوب است که این نهاد نباید خود را تنها به بعد نظامی و دفاعی محدود کند زیرا تهدیدات نظام سلطه، رنگ و شکلی گوناگون و به خود گرفته است.»

خامنه‌ای و سایر روحانیون و فرماندهان سپاه، به کرات از خطر جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند. محمدتقی مصباح یزدی، رییس «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی» و از مراجع تقلید نزدیک به خامنه‌ای در سوم اسفند ۱۳۹۳ گفته بود که در سال‌های اخیر «فتنه ۸۸» یکی از عرصه‌هایی بود که نتیجه جنگ نرم دشمن به حساب می‌آمد.

در واقع «جنگ نرم» از سال ۱۳۸۸ و متعاقب انتخابات ریاست جمهوری بحث برانگیز آن سال به واژه همیشگی علی خامنه‌ای بدل می‌شود. در جلد چهارم مجموعه کتاب «جنگ نرم» که به‌طور اختصاصی به «عملیات روانی و فریب استراتژیک» پرداخته است یک‌به‌یک تعاریف فریب استراتژیک را بررسی می‌کند و تعریف جالبی را در پایان به‌عنوان تعریف نهایی ارائه می‌دهد: «عملیات فریب استراتژیک سلسله اقدامات سازمان یافته و پنهانی است که به‌منظور تأثیرگذاری بر ذهنیت حریف طراحی و اجرا می‌شود و هدف اصلی آن ایجاد انحراف، در تصمیمات حریف از طریق ارائه اطلاعات هدایت شده به او و اجبار وی به اقدام یا عدم اقدام در جهت منافع طرف خودی یا ضرر به منافع خود می‌باشد.» (عملیات روانی و فریب استراتژیک، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱)

جمهوری اسلامی ایران خود، نیرنگ استراتژیک عمل پیچیده‌ای است و طراحان آن برای موفقیت، نه تنها به ایجاد و انتشار اطلاعات نادرست و دروغین دست می‌زنند، بلکه باید تصمیم می‌گیرند که کدام اخبار مورد قبول قرار گیرند یا رد شود. علی خامنه‌ای می‌گوید: «اسلام یک اردوگاه است. اردوگاه اسلام هم برای ده سال، بیست سال، پنجاه سال، صد سال، آمادگی ایجاد می‌کند. آری؛ فقط این دشمن نیست که پنجاه سال بعد را می‌بیند؛ ما صد سال بعد را می‌بینیم» نمونه‌های پیچیده‌تر را می‌توان در شبکه نفوذ جمهوری اسلامی یا همان لابی جمهوری اسلامی در غرب و به‌ویژه امریکا دید. همان‌طور که اشاره کرد بهترین نمونه در این حوزه شاید نایاک باشد.

در پایان می‌توانیم بگوییم که لابی‌گری یک عمل و حرفه ویژه است؛ که به‌منظور تلاش برای گسترش نفوذ یک دیدگاه مشخص در دستگاه حکومتی یک کشور یا در افکار عمومی انجام می‌گیرد.

در برخی از کشورها، دفترهای ویژه‌ای به‌نام «دفاتر لابی‌گری» وجود دارد که در ازای دریافت پول به تلاش برای پیش‌برد حمایت از یک دیدگاه خاص به‌وسیله نفوذ در دولت و یا افکار عمومی آن می‌پردازند. در آمریکا به کشورها و شرکت‌های خارجی جهت پیش‌برد اهداف اجازه داده شده تا به لابی‌گری بپردازند که «شورای ملی ایرانیان امریکایی» از آن دسته می‌باشد.

در حقیقت روزبه پارسی و برادرش تریتا پارسی و یا افرادی همچون محمدعلی شعبانی که هم با نهادهای جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند و هم به‌عنوان کارشناس در اروپا و آمریکا به‌نفع این حکومت لابی می‌کنند، هنوز هم زنگ خطری برای جامعه ایرانیان در غرب محسوب می‌شوند. اکنون که جمهوری اسلامی در موضع ضعف و فروپاشی قرار گرفته بایستی اپوزیسیون جدی جمهوری اسلامی در غرب، از جمله به مقابله جدی‌تر از گذشته با شبکه‌های نفوذی جمهوری اسلامی ایران برخیزند تا از اطلاع‌رسانی دروغین آن‌ها به نفع جمهوری اسلامی و به‌ضرر مردم معترض و انقلابی در نهادهای بین‌المللی جلوگیری کنند.

بنا به گزارش نهادهای حقوق بشری، از آغاز اعتراضات جاری تا روز ۲۹ آذر، ۵۰۶ نفر از جمله ۶۹ کودک جان باخته‌اند. هرانا همچنین تعداد بازداشت‌شدگان را ۱۸۴۵۷ نفر تخمین می‌زند که هویت ۴۰۰۳ نفر از آن‌ها شناسایی شده است. در طول این مدت بیش از ۶۶ نیروی امنیتی حکومت نیز کشته شده‌اند. همچنین در این مدت، ۱۱۹۴ اعتراض شهری و دانشگاهی برگزار شده است.

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران، یکی از جانی‌ترین و تبه‌کارترین، دروغ‌گوترین و حق‌بازترین حکومت جهان است که اکنون با قدرت خیزش مردمی در سراسری سقوط و فروپاشی قرار گرفته است. مردم معترض ایران، حکم رفتن جمهوری اسلامی را با قاطعیت صادر کرده‌اند و خودشان نیز اجرای این حکم خود را با جدیت پیگیری می‌کنند تا این حکومت بچه‌کش را از صحنه روزگار محو سازند!

چهارشنبه سی‌ام آذر - قوس - ۱۴۰۱ - بیست و یکم دسمبر ۲۰۲۲